

آیا تاکنون به محیط پیرامون خود خوب نگاه کرده‌اید؟ در محیط کاری، محیط زندگی، طبیعت یا... چه چیزهایی دیده‌اید؟ هرچه که دیده باشید، این نگاه کلی به محیط اطراف است. اگر از مرحله‌ی نگاه کلی یک گام جلوتر برویم و با کمی دقت، تک تک اشیا و عناصری را که پیکره‌ی یک محیط را تشکیل می‌دهند بررسی کنیم، خواهیم دید که این اشیا و عناصر به رغم شباهت کلی، بسیار متفاوت هستند. برای مثال، به یک منظره‌ی دل‌خواه و زیبا از مجموعه‌ی درختان جنگلی نگاه کنید. چه می‌بینید؟ دنیایی از پوشش گیاهی و درختان گوناگون. اکنون از بین این مجموعه یک درخت را انتخاب کنید. این درخت ترکیبی کلی دارد که از کنار هم قرار گرفتن منطقی اجزایی چون: تنه، شاخه‌های بزرگ و کوچک، برگ‌های متنوع یا میوه شکل گرفته است و این اجزا ترکیب‌بندی زیبایی را به نمایش درآورده‌اند. در نگاه اول به درخت، شما ساقه یا تنه‌ی آن را می‌بینید که شبیه یک «خط عمودی» است و روی سطح آن، مملو از لکه‌ها یا «نقطه»هایی از پوست درخت است. در ادامه‌ی ساقه، به شاخه‌های بزرگ و کوچک

برمی‌خوریم که از خطوط «عمودی»، «افقی»، «منحنی» و «مورب» تشکیل شده‌اند. در بخش‌های متفاوتی از این شاخه‌ها، برگ‌ها و میوه‌ها را می‌بینیم که دارای انواع سطح‌ها با حجم‌های متفاوتی هستند. اگر به سطح ظاهری این اجزا با دقت بیشتری نظر کنیم، یا بهتر است بگوییم اگر دیدمان را تقویت کنیم، ظرافت‌های شگفت‌انگیزی را در این طبیعت غنی می‌یابیم.

سطح ظاهری هر جسم، «بافت» آن را تشکیل می‌دهد. شما با لمس ساقه‌ی درخت، شاخه یا برگ، می‌توانید بافت‌های «نرم»، «زبر»، «صاف» و... را متناسب با احساس خود درک و تجربه کنید. این عمل یکی از مفیدترین روش‌ها برای افزایش دقت است.

آیا به آفتاب که در طبیعت به سطوح متفاوت اجسام برخورد می‌کند، به دقت نگاه کرده‌اید؟ نور مهم‌ترین عامل معرفی و بیان رنگ اشیا در طبیعت است. نور خورشید دارای طیف وسیعی از رنگ‌هاست. در اثر برخورد این نور با یک شیء، تمام نورهای منعکس شده از خورشید جذب آن می‌شود و تنها یک نور از آن انعکاس می‌یابد. این نور انعکاس یافته، همان رنگ آن

شیء است که در نوع خود از لحاظ رنگ دارای تنوع وسیعی است.

مثلاً برگ درختان سبز است، اما تنوع و گستردگی طیف این سبز بسیار زیاد و زیباست که از شگفتی‌های آفرینش خداوند محسوب می‌شود. رنگ پوست شاخه‌ی درخت سیب قرمز تابستانی، بعد از اتمام شکوفه‌ها در پایان فصل بهار، تغییر می‌کند و اگر کمی دقت کنیم، رگه‌های نارنجی رنگی را می‌بینیم که از زیر سطح قهوه‌ای رنگ در پوست شاخه‌های درخت ظاهر می‌شود. این تغییر رنگ، با هماهنگی منطقی، وقوع اتفاقی زیبا را نوید می‌دهد.

درختچه‌های سماق، در دامنه‌های کوه پابه‌ای در آب و هوای کوهستانی، به خوبی رشد می‌کنند. اگر در فصل پاییز در این مناطق باشید، انواع رنگ‌ها را با تغییر و ورود به این فصل، با هماهنگی طبیعی بسیار زیبایی مشاهده خواهید کرد. برگ‌های این درختچه‌ها انواع رنگ‌های زرد، سبز، نارنجی، قرمز و قهوه‌ای را با درجات متفاوت، در هر رنگ بین ۵ تا ۶ نمونه به نمایش می‌گذارند. این ترکیب از هماهنگی خاصی برخوردار است؛ یک شاهکار زیبای هنری که توسط نقاش هستی بخش رنگ‌آمیزی شده است.

● حمید محمد ظاهری



ارتباط با طبیعت مقدمه‌ای بر مبانی هنرهای تجسمی

ریتم در طبیعت

«ریتم»، تکرار در دیدن یا حرکت متناوب در فاصله‌های منظم است که حاصل تکرار منظم چند عنصر می‌باشد. این موضوع زیبایی‌شناسی، «هماهنگی» و «تعادل» را در یک مجموعه نشان می‌دهد؛ هم چون ساقه‌های موازی درختان کنار مسیر خیابان‌کشی پارک، موج‌های پی‌درپی امواج آب در یک صحنه‌ی خروشان دریا و... برخی از ریتم‌ها «منظم» و برخی نیز «نامنظم» هستند. در میان پدیده‌های طبیعی، ریتم‌های منظمی مثل تغییر فصل‌ها، شب و روز، و جزر و مد و ریتم‌های نامنظمی مثل تنه‌ی درختان، امواج دریا، حرکت ماسه‌ها روی تپه‌های کویری و... یافت می‌شوند. اکنون می‌توان نتیجه گرفت که بین این ترکیب از پدیده‌ها، ارتباط و نظم منطقی وجود دارد. این هماهنگی، وجود نوعی زیبایی را در یک مجموعه بیان می‌کند که همان «زیبایی‌شناسی» در مقوله‌های هنری است.

طبیعت، منبع الهام

طبیعت گنجینه‌ی بزرگ الهی است که هر کس به اندازه‌ی توان و درک خود از این گنجینه‌ی غنی بهره می‌برد. نگاه تمامی مخترعان، مبتکران و هنرمندان در درازنای حیات بشر به طبیعت بوده است. برای مثال، «چرخ‌بال» از روی حشره‌ای به نام سنجاقک طراحی شده است. «قیچی باغبانی» از متقار پرنده‌گانی چون طوطی برگرفته شده و در طراحی «مته‌ی برقی» (دریل) از نیش حشرات الهام گرفته شده است. در طراحی ستون تیسیر چراغ‌برق خیابان‌ها، از فرم و تعادل منطقی شاخه و تنه‌ی درختان استفاده شده است و... این‌ها نمونه‌های بسیار ساده‌ای از الهاماتی است که مخترعان، مبتکران و هنرمندان از طبیعت گرفته‌اند.

تمرین‌هایی برای تربیت بصری

«تربیت بصری»، یا همان «آموزش دیدن» یا بهتر گفته باشیم، تقویت و تغییر نگاه به محیط پیرامون برای دقیق و عمیق دیدن است. برای

تحقق این تعریف، تمرین‌هایی به شرح زیر مؤثرند:

۱. به لکه‌های سایه‌های ایجاد شده روی زمین در زیر درختان توجه کنید. سپس از زاویه‌های متفاوت به این لکه‌ها به‌طور دقیق نگاه کنید. اکنون شما به شکل‌ها یا فرم‌ها نزدیک شده‌اید. می‌توانید با اضافه کردن اشیای اطراف، مثل سنگ، چوب، پوست درختان، برگ‌ها و... این شکل‌ها و فرم‌ها را به موضوع دل‌خواه خود تبدیل کنید.

۲. در این تمرین همان تمرین شماره‌ی ۱ را دنبال کنید، با این تفاوت که جای لکه‌های سایه را با لکه‌های آب روی سطح زمین عوض کنید.

۳. به ابرهای موجود در آسمان به دقت نگاه کنید. از بافت و فرم ابرها، تصویر موردنظر خود را پیدا کنید و برای دیگران توضیح دهید.

۴. به برگ‌ها، سنگ‌ها، پوست تنه‌ی درختان و... در محیط اطراف خود خوب نگاه کنید. چه شکل‌ها و فرم‌هایی در این اشیای پیدا می‌کنید؟ آنان را به دیگران نشان دهید.

■ شما برای تربیت بصری دانش‌آموزان خود چه روش‌هایی را انتخاب کرده‌اید؟ تجارب خود را در فعالیت‌های آموزشی، مخصوصاً ساعت درس هنر، برای انتقال به همکاران بنویسید و برای «رشد هنر» از سال کنید تا در کلاس از آن‌ها استفاده کنیم.

